

## The procedure of the Security Council towards the principle of rule of law In the field of human rights with emphasis on the rights of women and children

Hosein malekshahi<sup>1</sup>, Farid azadbakht<sup>2</sup>, Hengameh ghazanfari<sup>3</sup>

### Abstract

**Field and Aims:** Basically, according to the charter, the Security Council is a specific or situation-oriented pillar, in other words, the member governments have asked that pillar to react to a specific situation or dispute. However, after the Cold War, the Council occasionally issued resolutions. The purpose of which is not to resolve the existing dispute between two or more members, nor a situation that endangers international peace and security, but the main purpose is to prevent threats to peace or preventive diplomacy and peacemaking. In fact, these resolutions have a specific audience such as women and children.

**Method:** This article tries to explain the mentioned resolutions in a descriptive-analytical way.

**Finding and Conclusion:** Specifying that the mentioned resolutions do not seek to solve an issue related to a specific situation, but their purpose is to solve the issue and problem that is spreading in the international community and repeating or increasing the number of cases can affect peace and security. be internationally influential.

**Keywords:** security, rule of law, human rights, women's rights, children's rights.

\*Citation (APA): malekshahi, H., azadbakht, F., ghazanfari, H. (2022). The procedure of the Security Council towards the principle of rule of law In the field of human rights with emphasis on the rights of women and children. *International Legal Research*, 15(56), 223-241.

[https://alr.ctb.iau.ir/article\\_689172.html?lang=en](https://alr.ctb.iau.ir/article_689172.html?lang=en)

1. Doctoral student of International Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. Email: hosseinmalekshahi2020@gmail.com

2. Assistant Professor of International Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran (author). Email: faridazadbakht2014@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Law, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. Email: ghazanfari.h50@gmail.com

## رویه شورای امنیت در قبال اصل حاکمیت قانون در حوزه حقوق بشر با تأکید بر حقوق زنان و کودکان

حسین ملکشاهی<sup>۱</sup>، فرید آزادبخت<sup>۲</sup>، هنگامه غضنفری<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** اساساً شورای امنیت به موجب منشور، رکنی خاص گرا یا وضعیت است، به عبارت دیگر دولت‌های عضو از آن رکن خواسته‌اند که نسبت به وضعیت یا اختلاف خاص از خود واکنش نشان دهد. باین حال پس از جنگ سرد، گهگاه شورا قطعنامه‌هایی صادر نمود که هدف آن نه حل و فصل اختلاف موجود بین دو یا چند عضو است و نه وضعیتی که صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره افکند، بلکه هدف اصلی پیشگیری از تهدید صلح و یا دیپلماسی و صلح سازی پیشگیرانه می‌باشد. در حقیقت این دسته از قطعنامه‌ها مخاطب مشخصی مثل زنان و کودکان دارند.

**روش:** مقاله حاضر می‌کوشد، تا به شیوه توصیفی-تحلیلی به تبیین قطعنامه‌های مذکور بپردازد.

**یافته‌ها و نتایج:** مشخص نمودن این که قطعنامه‌های مزبور به دنبال حل یک موضوع مرتبط با یک وضعیت خاص نمی‌باشند، بلکه غایت آن‌ها حل موضوع و مشکلی است که در جامعه بین‌المللی در حال گسترش است و تکرار یا افزایش تعداد موارد آن می‌تواند بر صلح و امنیت بین‌المللی تأثیرگذار باشد. **کلیدواژه‌ها:** امنیت، حاکمیت قانون، حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق کودکان.

\* استناددهی (APA): ملکشاهی، حسین؛ آزادبخت، فرید؛ غضنفری، هنگامه. (۱۴۰۱). رویه شورای امنیت در قبال اصل حاکمیت قانون در حوزه حقوق بشر با تأکید بر حقوق زنان و کودکان. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۵(۵۶)، ۲۲۳-۲۴۱.

[https://alr.ctb.iau.ir/article\\_689172.html](https://alr.ctb.iau.ir/article_689172.html)

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

رایانامه: hosseinmalekshahi2020@gmail.com

۲. استادیار حقوق بین‌الملل، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: faridazadbakht2014@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. رایانامه: ghazanfari.h50@gmail.com

## مقدمه

بدون شک پس از پایان جنگ سرد، سیستم امنیت جمعی هم از لحاظ کمی تعداد قطعنامه‌ها و هم از لحاظ کیفی دچار تحول شده و برداشت جدیدی از مفهوم صلح و امنیت به وجود آورد. تأکید بیشتر بر اهمیت صلح پایدار و عوامل ایجادکننده آن حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر دارد. شورای امنیت پس از پایان جنگ سرد بر اساس تفسیر موسع از فصل هفتم منشور حوزه اختیارات خود را در زمینه‌ی حقوق بشر و حمایت از آن گسترش داد. شورای امنیت امروزه عامل تهدید صلح را صرفاً هجوم نظامی یک دولت نمی‌داند. نزاع‌های قومی و قبیله‌ای در داخل دولت‌های ملی، نقض جدی حقوق بشر، رنج‌های گسترده بشری، هجوم آوارگان و مرزهای ملی و جلوگیری از ارسال کمک‌های بشردوستانه، اینک از عوامل تهدید صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد می‌شوند. دبیر کل در گزارش خود به شورا، ضمن اشاره به فقر، بیماری، قحطی و سرکوب به‌عنوان عامل پناهندگی ۱۷ میلیون نفر بی‌خانمان ۲۰ میلیون نفر دیگر در جهان می‌نویسد:

«تلاش‌های ملل متحد در جهت استقرار صلح، ثبات و امنیت بین‌المللی بایستی موضوعاتی فراتر از تهدیدات نظامی را در بر گیرد. به نظر او صلح اجتماعی، به‌اندازه صلح استراتژیک یا سیاسی اهمیت دارد. همچنین شورای امنیت تأکید کرده است که، نبود جنگ و درگیری نظامی موجب تضمین صلح و امنیت بین‌المللی نیست. اکنون منابع غیرنظامی بی‌ثباتی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، انسانی و زیست محیطی به تهدیدی علیه صلح مبدل شده‌اند.»

در کنار گسترش و نفوذ اندیشه حمایت از حقوق بشر به‌عنوان عامل اصلی تدوین قواعد حمایتی نسبت به زنان، کودکان و افراد آسیب‌دیده، شورای امنیت نیز در این زمینه تأثیر زیادی بر حمایت از حقوق بشر داشته است. در این پژوهش به دنبال این پرسش هستیم که حاکمیت قانون شورای امنیت در حمایت از حقوق زنان و کودکان به‌عنوان یکی از مصادیق نقض فاحش حقوق بشر چگونه بوده است؟ و فرضیه موردنظر در پژوهش پیش روی این می‌باشد که شورای امنیت به‌عنوان یکی از ارکان اصلی سازمان ملل در قطعنامه‌های متعدد خود دولت‌ها را به وضع یکسری قوانین در خصوص زنان و کودکان و گروه‌های آسیب‌پذیر تشویق نمود و به آن‌ها دستور داده که به یکسری از کنوانسیون‌های زنان و کودکان پیوندند. همچنین در مخاصمات داخلی و بین‌المللی به موضوع زن و کودک توجه ویژه دارد و بدین گونه از سال ۲۰۰۰ به بعد در این خصوص ایجاد نرم نموده است.

## ۱. حمایت از حقوق بشر در رویه شورای امنیت

امروزه شورای امنیت در مناقشات داخلی کشورها که در سطح وسیعی باعث تضییع حقوق بشر از جمله کودکان و زنان می‌شود مداخله می‌کند و دولت‌های عضو از آن رکن خواسته‌اند که نسبت

به وضعیت یا اختلاف خاص از خود واکنش نشان دهد. (اسواروچی ۱، ۲۰۰۰: ۲۸۰). شورای امنیت رویه خود را در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ دنبال نموده است. در حقیقت این دسته از تصمیمات شورا پاسخی به دستور کار برای صلح و گزارش تکمیلی آن می‌باشد. در این خصوص به‌طور مثال به قطعنامه‌های ذیل می‌توان اشاره کرد. (ماری ۲، ۲۰۰۵: ۴۵).

- ۱) قطعنامه ۹۸۴ مورخ ۱۱ آوریل ۱۹۹۵ در خصوص سلاح‌های هسته‌ای.
- ۲) قطعنامه ۱۲۶۱ مورخ ۲۰ اوت ۱۹۹۹ در خصوص تأثیر مخاصمه مسلحانه به کودکان.
- ۳) قطعنامه ۱۳۱۴ مورخ ۱۱ اوت ۲۰۰۰ در خصوص تأثیر مخاصمه مسلحانه بر کودکان.
- ۴) قطعنامه ۱۳۱۸ مورخ ۷ سپتامبر ۲۰۰۰ در زمینه‌ی نقش شورای امنیت در زمینه‌ی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی.
- ۵) قطعنامه ۱۳۷۹ مورخ ۲۰ نوامبر ۲۰۰۱ در خصوص کودکان و حقوق مخاصمات مسلحانه.

### ۱-۱-۱. حمایت نظارت و پیشگیری

در این قسمت به بررسی، شیوه پیشگیرانه، حفظ صلح پیشگیرانه، ایجاد مناطق امن، پاسخ بشردوستانه سریع، در چهاربند توضیح داده می‌شود.

#### ۱-۱-۱-۱. شیوه پیشگیرانه

اولین نشست سران شورای امنیت که در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ برگزار شد، شیوه پیشگیرانه را ثبت کرد. در نتیجه از دبیر کل پطرس غالی خواست تا گزارشی به همراه توصیه‌هایی در مورد شیوه‌ها و راه‌های افزایش ظرفیت سازمان ملل برای پیش‌گیری دیپلماتیک، ایجاد صلح و حفظ صلح، آماده و به اعضای سازمان ملل تسلیم کند. بیانیه شامل درخواستی از دبیر کل بود برای گزارشی که وجود تهدیدات غیرنظامی علیه صلح و امنیت را هم مانند تهدیدات نظامی مشخص کند. همان‌طور که در بالا دیدیم، بسیاری از سران کشورها و دولت‌های حاضر در نشست در دخالتشان پیش از شورا بر اهمیت مردم‌سالاری، حکومت قانون، احترام به حقوق بشر و دفاع از حقوق اقلیت تأکید کردند. بیانیه مشخص کرد که تنها نقش شورای امنیت نیست که وجود دارد، بلکه سایر سازمان‌های ذیصلاح سازمان ملل متحد مانند مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی، کمیسیون‌های آن در مورد حقوق بشر و زیر کمیسیون‌های پیشگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت هم نقش دارند. مشخصاً، شورای امنیت نمی‌تواند روی تمام حوزه فعالیت‌های حقوق بشری متمرکز شود. در عین حال، حقوق بشر دیگر نمی‌تواند در فعالیت‌های شورای امنیت در حاشیه باشد. شورا نقشش را چگونه شکل می‌دهد. (کلب ۳، ۲۰۰۳: ۱۳۲).

1. Swarochi  
2. Marie  
3. Kolb

## ۱-۲-۱. حفظ صلح پیشگیرانه

کنفرانس وین در مورد حقوق بشر ۱۹۹۳ عزمی را برای برداشتن گام‌های جدید به جلو برای التزام جامعه بین‌المللی بادیست‌یابی به پیشرفتی پایدار در تلاش‌های حقوق بشری، اعلام کرد. این کنفرانس نگرانی زیادی را درباره ادامه نقض حقوق بشر در تمام قسمت‌های جهان و درباره کمبود ترمیم‌های مشخص و مؤثر برای قربانیان ابراز کرد.

بنابراین پیشنهاد کرد که سازمان ملل متحد نقش فعال‌تری را در بهبود و حمایت از حقوق بشر به دست گیرد. این کنفرانس جهانی با تشخیص اهمیت نقش اجزای حقوق بشر در مقدمات مربوط به عملیات حفظ صلح توسط سازمان ملل متحد، پیشنهاد کرد که دبیر کل تجارب گذشته و توانایی‌های مرکز سابق حقوق بشر و مکانیزم حقوق بشری را در تطابق با منشور سازمان ملل متحد به حساب آورد. حمایت بین‌المللی مؤثر نیازمند اقدامات نظارتی و پیشگیرانه، اقدامات کاهنده و ترمیمی و اقدامات اصلاحی و جبرانی است. درحالی‌که پس از آن‌که آن‌ها آغاز کردند، شیوه‌هایی برای غلبه بر نقض حقوق بشر و برای فراهم کردن اصلاحات به وجود آمده‌اند، اقدامات پیشگیرانه به‌طور غریبی دچار کمبود هستند. این نقصی عمده در سیستم حمایت بین‌المللی است. در بخش‌های سیاسی سازمان ملل متحد، تلاش‌هایی ابتدایی، برای هشدار زودرس و سیاست‌های پیشگیرانه انجام گرفته است. برنامه‌های حقوق بشری باید به این حوزه برسند. و این شروع به نقش بازی کردن در جزئیات حقوق بشر در عملیات حفظ صلح کرد و چنان‌که در کنفرانس جهانی اشاره شد، این نقشی است که باید گسترش یافته و بر آن تأکید شود. اگرچه هنوز پیشرفت‌های مفهومی مهمی برای اعمال در نظام محافظت بین‌الملل وجود دارد، و یکی از آن‌ها نظامند کردن تجارب و شیوه‌های حفظ صلح در هنگام برداشت گام‌های رو به جلو، چنان‌که کنفرانس جهانی خواسته است، می‌باشد. زمانی در گذشته، کمیته NGO حقوق بشر برنامه‌ای را در هیئت‌مدیره سازمان ملل متحد درباره روز حقوق بشر ترتیب داد؛ که اختصاص یافته بود به مقایسه شیوه‌هایی حفظ صلح و حقوق بشر، هدف تشویق به توسل به شیوه‌ها و راه‌های حفظ صلح در برنامه‌های حقوق بشری بود. از آن‌پس گسترش مساعدت و نظارت انتخابی و شمول اجزای حقوق بشری را در عملیات حفظ صلح دیده‌ایم. (دتر، ۱۹۹۵: ۵۹).

اگرچه، تکاملی را در مسئله نقض حقوق بشر که نیازمند تأکید بیشتر بر اقدامات پیشگیرانه در سیستم حمایت بین‌المللی آینده است، می‌بینیم. با اینکه کشورهای بیشتر و بیشتری ارزش‌های دموکراسی، حکومت قانون و احترام به حقوق بشر را می‌پذیرند، اختلافات داخلی، برخوردهای نژادی و دینی موجب خشونت و وحشی‌گری بسیاری می‌شوند. سروکار داشتن با چنین اختلافاتی پس از آن‌که به وقوع پیوستند، هنگامی که تعصبات شدید و انتظار برای انتقام‌گیری زیاد است،

1. Deter

بسیار سخت تر است. در شرایط درگیری داخلی بالقوه، یا در شرایطی که گروه‌های جمعیتی شامل یک یا دو ملت می‌شوند، با وجود احتمال کشمکش و سوءاستفاده، حفظ صلح پیشگیرانه می‌تواند راهی ارزشمند برای خنثی‌سازی مشکلات باشد. اگرچه، تاکنون تنها یک عملیات حفظ صلح پیشگیرانه وجود داشته است، عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد در جمهوری یوگسلاوی سابق، مقدمه که بسیار به‌عنوان اولین به‌کارگیری موفق پیشگیرانه در تاریخ عملیات حفظ صلح تحسین شده است. شورا از پیشنهاد کشورهای عضو درباره مذاکره با کشورهای درگیر در منطقه درباره تحقق اهداف بشردوستانه یک نیروی چندملیتی برای تسهیل بازگشت فوری سازمان‌های بشردوستانه و تحویل مؤثر کمک بشردوستانه توسط سازمان‌های کمک به غیرنظامیان برای کاهش فوری رنج افراد آواره، غیرنظامیان درخطر در شرق زئیر و تسهیل بازگشت داوطلبانه و منظم پناهندگان به مانند بازگشت داوطلبانه افراد آواره توسط نماینده ارشد سازمان ملل متحد در امور پناهندگان استقبال کرد و از دیگر کشورهای علاقه‌مند درخواست کرد تا برای شرکت در این تلاش‌ها پیشنهاد بدهند. متأسفانه کمبود حمایت از سوی کشورهای عضو منجر به غیراجرای شدن این قطعنامه شد. (آفورد، ۲۰۰۴: ۲۱۰).

## ۱-۲. ایجاد مناطق امن

شورا در مناطقی چون بوسنی و لیبیا به مناطق امن، مناطق دریایی امن متوسل شد. قطعنامه ۳۸۶ شورای امنیت به نقطه عطفی در به دست‌گیری اوضاع در یوگسلاوی سابق توسط سازمان ملل متحد اشاره دارد. در آن قطعنامه شورای امنیت هشدارش را در مورد شرایط خطرناک و غیرقابل‌تحمل در بوسنی و هرزگوین که نتیجه نقض جدی قوانین بشردوستانه بین‌المللی بود، تکرار کرد. شورا دوباره تأکید کرد که هرگونه گرفتن سرزمین به وسیله زور یا هر نوع شیوه پاک‌سازی نژادی غیرقانونی بوده و به کلی غیرقابل‌قبول است. با هشدار توسط مشکلات جمعیت غیرنظامی در محدوده سرزمینی جمهوری بوسنی و هرزگوین به‌خصوص در سارایوو، بیهاچ، صرب‌نیسا، گراژده، توزلا و رپا و اطمینان از حمایت از جمعیت غیرنظامی در حوزه‌های امن و توسعه یک‌راه حل سیاسی پایدار، شورای امنیت تصمیم گرفت اختیار نیروهای حفاظتی سازمان ملل ۲ را گسترش دهد تا آن را قادر کند که علاوه بر شرکت کردن در رساندن کمک‌های بشردوستانه چنان‌که در قطعنامه ۷۷۶ در ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۲ تدارک دیده شده است، در مناطق امن مطابق قطعنامه ۸۲۴ «۱۹۹۳» حملات علیه مناطق امن را بازدارد، بر آتش‌بس نظارت کند، عقب‌نشینی واحدهای نظامی و شبه‌نظامی به‌جز آن‌هایی که متعلق به دولت جمهوری بوسنی و هرزگوین هستند را گسترش دهد و چند نقطه کلیدی را روی زمین تصرف کند. شورای امنیت دوباره تأکید کرد که این مناطق امن

1. Offord
2. UNPROFOR

اقدام موقت بودند و هدف اصلی به صورت حفظ مراحل استفاده از زور و اجازه دادن به تمام افراد آواره از خانه‌هایشان در جمهوری بوسنی و هرزگوین برای بازگشت به خانه‌هایشان در صلح باقی خواهد ماند. شورای امنیت علاوه بر اختیار مشخص شده در قطعنامه ۷۷۰ «۱۹۹۲» و ۷۷۶ «۱۹۹۲» در مورد اجرای این اختیار جدید، فعالیت در دفاع از خود، انجام اقدامات لازم شامل استفاده از زور در پاسخ به بمباران علیه مناطق امن توسط هر کدام از طرفین یا تاخت و تاز مسلحانه به آن‌ها یا در صورت هرگونه کارشکنی عمدی در آزادی عمل نیروهای حفاظتی سازمان ملل نیروهای حفاظتی سازمان ملل یا کاروان کمک‌های بشردوستانه حمایت شده در یا اطراف آن مناطق را به نیروهای حفاظتی سازمان ملل اجازه داد. شورای امنیت سپس تصمیم گرفت که علی‌رغم پاراگراف اول قطعنامه ۸۱۶ «۱۹۹۳» کشورهای عضو که به صورت ملی یا از طریق سازمان‌ها یا قراردادهای منطقه‌ای عمل می‌کردند، بتوانند تحت مسئولیت شورای امنیت و هماهنگی نزدیک با دبیر کل و نیروهای حفاظتی سازمان ملل از طریق استفاده از قدرت هوایی، در اطراف مناطق امن در جمهوری بوسنی و هرزگوین برای پشتیبانی از نیروهای حفاظتی سازمان ملل در عمل به اختیارش، تمام اقدامات لازم را انجام دهند. شورا از کشورهای عضو دخیل، دبیر کل و نیروهای حفاظتی سازمان ملل خواست تا اقداماتی را که انجام می‌دهند کاملاً هماهنگ کنند و از طریق دبیر کل به شورا گزارش کنند. (زکیان، ۱، ۲۰۰۳: ۸۳۲). متأسفانه، همین‌طور که اتفاقات بروز می‌کردند، شورای امنیت نتوانست راه‌های مورد نیاز برای اجرای این تصمیم را پیدا کند و انتقادهای زیادی از اعلام مناطق امن بدون راه حمایت از آن‌ها شد. باین حال، طراحی مناطق امن به عنوان یک نوآوری مهم در شیوه‌ها حمایت شورای امنیت باقی ماند. در قطعنامه ۳۱ می ۱۹۹۶، شورا از تصمیم محکم خود درباره این که با مونورویا پایتخت لیبریا باید به عنوان یک منطقه امن رفتار شود، خبر داد. (کلسون، ۲، ۲۰۰۰: ۲۹۱).

## ۲. حمایت از زنان در شورای امنیت سازمان ملل

از آغاز تاریخ بشریت، جنگ و خشونت همواره همزاد یکدیگر بوده و زنان به عنوان گروه آسیب‌پذیر بیشترین تأثیرات را متحمل شده‌اند. در حقیقت با بروز جنگ، گروه‌های مختلف به شکل عامدانه زنان را هدف قرار می‌دهند و از آنان برای رسیدن به اهداف جنگی خود بهره می‌جویند. بنابراین با توجه به جایگاه و نقش زنان در خانواده و جامعه به عنوان هسته اصلی، امنیت و ثبات متزلزل شده و در نگاه جامع با به خطر افتادن امنیت کشور یا کشورهای دیگر، جامعه‌ی جهانی با عدم امنیت و صلح روبه‌رو خواهد شد. در نتیجه می‌توان گفت که اهمیت شناخت تأثیرات ناگوار مخاصمات مسلحانه بر زنان و آثار آن بر صلح و امنیت بین‌المللی امری انکارناپذیر و

1. Zakian  
2. Kelson

ضروری است. در این زمینه شورای امنیت به عنوان رکن اجرایی سازمان ملل متحد که وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد، به این موضوع از سال ۱۹۹۱ به بعد توجه نموده و سه اقدام انجام داده است: (۱) مفهوم پردازی نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، (۲) اقدامات قضایی - امنیتی و (۳) اقدامات سیاسی - امنیتی. (حقیقی کفاش و سجادپور، ۱۳۹۹: ۱۰۹۳).

برابری برای زنان از محورهای کارسازمانی ملل از زمان تأسیس آن در ۱۹۴۵ بوده است. کمیسیون، موقعیت زنان تحت نظارت شورای اقتصادی و اجتماعی، پیشرفت به سوی برابری جنسیتی زنان در سراسر جهان را بررسی می‌کند. برای حمایت از حقوق زنان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزش و پرورش پیشنهادهایی ارائه می‌دهد و به مشکلات مربوط به حقوق زنان که به توجه فوری نیاز دارند، رسیدگی می‌کند. این کمیسیون همچنین پیش‌نویس معاهدات و اسناد دیگری را به منظور بهبود موقعیت زنان از نظر حقوقی و عملی ارائه می‌دهد. (حقایق اساسی درباره ملل متحد، ۲۰۰۴: ۲۱۲).

## ۲-۱. قطعنامه شماره ۱۲۳ شورای امنیت ۲۰۰۰

شورای امنیت با یادآوری قطعنامه‌های خود پس از تسلیم این گزارش ریاست شورای امنیت در دومین سالگرد تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ در تاریخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۲ بر تعهد خود برای ادامه و اجرای کامل قطعنامه ۱۳۲۵ مجدداً تأکید می‌کند و از توجه فزاینده‌ای که طی دو سال گذشته بر وضعیت زنان، دختران در درگیری‌های مسلحانه اعمال شده است. استقبال می‌کند و اعلام می‌نماید قصد دارد تا توصیه‌های مندرج در آن را مطالعه کند. در این بیانیه شورا، ادامه بهره‌برداری جنسیتی زنان و دختران هنگام مخاصمات مسلحانه، استفاده از خشونت‌های جنسی، به‌عنوان سلاح راهبردی و روش جنگ که علاوه بر سایر خطرات، زنان و دختران را در خطر روزافزون ابتلا به بیماری‌های عفونی مانند بیماری‌های ایدز و ویروس HIV قرار می‌دهند.

پس از تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ رئیس شورای امنیت در سال ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۵ سه بیانیه در مورد زنان، صلح و امنیت منتشر کرد و در آن خواهان استقرار یک چارچوب یکپارچه برای مشارکت در برابر زنان در ایجاد صلح و ارتقای آن شد و در همین راستا خواستار اقدامات مثبت سازمان ملل متحد، دول عضو و بازیگران جامعه مدنی در جهت عملیات حفظ صلح، استقرار صلح و صلح سازی، عملیات بشردوستانه در طول درگیری، و ممانعت از درگیری‌ها، بازسازی و توان‌بخشی، خلع سلاح و مرخصی سازی نظامی بعد از جنگ شد. (پاریاب، ۱۳۸۷: ۱۷۳).

شورای امنیت پس از تصویب قطعنامه ۱۳۲۵، بر نقش زنان در ایجاد صلح و حفظ امنیت تأکید و اصرار زیادی داشته است. به عقیده دبیر کل قطعنامه مذکور، سازمان ملل را برانگیخت تا دیدگاه روشکافانه‌تری نسبت به فعالیت‌های خود داشته باشد. و این که این قطعنامه زمینه مناسبی را فراهم



کرده است که سازمان ملل دیدگاه‌های جنسیتی را در ایجاد صلح و حفظ صلح بکار برد. به نظر او اگرچه زنان به طرز نامتناسبی از درگیری‌ها لطمه می‌بینند، کلید حل درگیری‌ها هستند و گروه‌های زنان استراتژی‌های خلاق و شیوه‌های انعطاف‌پذیری را که کارآمد هستند برای پیشگیری از وقوع درگیری‌ها تأمین کرده‌اند. آن‌ها خستگی‌ناپذیر و شجاعانه در حال فعالیت هستند تا از طریق اقدامات غیررسمی به پیشرفت جریان آشتی یاری برسانند، اما آن‌چنان‌که شایسته است از آنان پشتیبانی نمی‌شود و با در نظر گرفتن استثنای معدود، زنان در نیروهای رسمی مذاکره و مذاکرات صلح حضور ندارند. آنچه دبیر کل سابق از شورای امنیت می‌خواهد این است که نقش زنان به‌عنوان نماینده در مذاکرات رسمی صلح افزایش یابد.

از سوی دیگر در روز ۸ مارس ۲۰۰۶ مصادف با روز جهانی زن شورای امنیت بیانیه جامع و کاملی صادر کرد. در این بیانیه اعضای شورا بر پیشرفت‌های قابل توجهی که در مورد زنان صورت گرفته است تأکید کردند و لزوم اجرای کامل قطعنامه را خواستار شدند. در این بیانیه بر مخرب‌ترین پیامد خشونت جنسی علیه زنان که در طول تعارضات یعنی بیماری ایدز و ویروس HIV تأکید مجدد شده است. در این بیانیه اعضای شورای امنیت خواستار آن شدند که تمامی گروه‌های مسلح جنگی به حقوق انسانی زنان و دختران احترام بگذارند و نیازهای خاص آنان را مورد توجه قرار دهند و همین‌طور خواهان خاتمه دادن به خشونت‌های جنسی در جنگ شدند.

شورا زمینه‌نگرانی خود را نسبت به وخیم شدن پیوسته وضعیت امنیتی و انسانی در دارفور اعلام می‌دارد، و تمام گروه‌ها را به مهار هر چه سریع‌تر این وضعیت و پرهیز از انتقام‌جویی و تشدید اوضاع توصیه می‌کند. شورا در این بیانیه ضمن تأکید مجدد برای اجرای کامل قطعنامه ۱۳۲۵ نگرانی شدید خود را از رواج انواع خشونت‌ها علیه زنان و دختران در درگیری‌های مسلحانه از جمله قتل، ضرب و جرح و خشونت‌های جنسی، آدم‌ربایی و قاچاق ابراز می‌دارد. در نهایت شورا از دول عضو می‌خواهد فعالانه در جهت تداوم اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ از طریق گسترش و اجرای برنامه‌های ملی اقدام کنند.

در اینجا بهتر است به بیانیه‌ای که بان کی مون، دبیر فعلی سازمان ملل در تاریخ ۲۵ نوامبر ۲۰۰۷ به مناسبت روز بین‌المللی رفع خشونت علیه زنان منتشر کرد اشاره‌ای داشته باشیم. بان کی مون در این پیام، خشونت علیه زنان را کماکان به‌عنوان زشت‌ترین نوع نقض فاحش و گسترده حقوق بشر در جهان معرفی کرد و اظهار داشت این امر تهدیدی علیه همه زنان و مانعی در برابر تمامی تلاش‌هایمان برای توسعه، صلح و برابری جنسیتی در کلیه جوامع به شمار می‌آید. وی تأکید کرد قصد دارد که برای یکپارچه کردن تمامی تلاش‌های سازمان ملل در جهت تغییر قوانین، سیاست‌ها و عملکرد، رویکردها به‌منظور رفع خشونت علیه زنان، بسیج نظامند گسترده‌ای را تا سال ۲۰۱۵ در همین زمینه رهبری نماید. این بسیج بر ۳ موضوع مهم متمرکز است. حمایت جهانی، رهبری نمونه

سازمان ملل و مشارکت تقویت شده در سطوح ملی و منطقه‌ای برای حمایت از اقدام دولت‌های مدنی و بخش خصوصی. بان کی مون برای پیشبرد این اهداف پیشنهاد کرد تا مجمع عمومی، یک موضوع از دستور کار هر ساله خود را به مسئله خشونت علیه زنان اختصاص دهد و از شورای امنیت درخواست نمود تا سازوکاری برای نظارت بر خشونت علیه زنان و دختران در چارچوب قطعنامه ۱۳۲۵ درباره زنان، صلح و امنیت به وجود آورد.

قطعنامه ۱۳۲۵ باب موضوعات جدیدی را در عرصه بین‌المللی گشود. زیرا در این قطعنامه نه تنها نقش زنان را به عنوان فعالین صلح سازی و ممانعت از جنگ به رسمیت شناخت، بلکه بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری در همه سطوح صحه گذاشت. تنها پس از تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ بود که در عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد از مشاوره‌های ماهر در امور جنسیتی استفاده شد و پس از آن این امر به صورت یک هنجار درآمد. قطعنامه ۱۳۲۵ به بیش از ده زبان ترجمه شد و اسرائیل نخستین دولتی بود که مفاد قطعنامه را به عنوان قوانین داخلی پذیرفت. در فاصله سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵، ۴۷/۱ درصد از گزارش‌های شورای امنیت مبتنی بر رساله جنسیتی بود و در همین دوره ۶ قطعنامه از ۶۳ قطعنامه و ۱۵ بیانیه از ۶۲ بیانیه شورای امنیت به مسائل جنسیتی مربوط می‌شد.

## ۲-۲. قطعنامه ۱۸۸۹ شورای امنیت ۲۰۰۹

شورای امنیت با تأکید دوباره قطعنامه‌های خود به شماره ۱۳۲۵ «۲۰۰۰»، ۱۶۱۲ «۲۰۰۵»، ۱۶۷۴ «۲۰۰۶»، ۱۸۲۰ «۲۰۰۸»، ۱۸۸۲ «۲۰۰۹»، ۱۸۸۸ «۲۰۰۹» از دولت‌ها می‌خواهد برای شرکت کامل مؤثر و برابر زنان در همه مراحل روندهای صلح با توجه به نقش حیاتی آن‌ها در پیشگیری و رفع درگیری و ایجاد صلح تلاش کنند.

توجه به این نکته که زنان در موقعیت‌های مخاصمات مسلحانه و پس از درگیری، اغلب به عنوان قربانیان تلقی می‌شوند نه به عنوان عاملان؛ در نشان دادن موقعیت‌های رفع درگیری‌های مسلحانه و این نه تنها به نیاز توجه محافظت از زنان بلکه در قدرت دادن آن‌ها در ایجاد صلح تأکید دارد. تشخیص تأثیر موقعیت‌های درگیری مسلحانه روی زنان و دختران شامل پناهنده‌ها و افرادی که به طور داخلی پناهنده شدند، پاسخ سریع و کافی به نیازهای ویژه آن‌ها و مباحث سازمانی مؤثر در تضمین حفظ آن‌ها و حضور کامل در روند صلح به ویژه در مراحل اولیه صلح پس از درگیری می‌تواند به طور عمده به حفظ و ترفیع صلح و امنیت بین‌المللی کمک کند. اعضای شورای امنیت در این قطعنامه با تأکید بر حضور زنان در طول همه مراحل روندهای صلح به ویژه در رفع درگیری، برنامه‌ریزی پس از جنگ و صلح شامل تقویت مدیریت آن‌ها در تصمیم‌گیری سیاسی و اقتصادی در مراحل اولیه روندهای بهبود در میان اشخاص دیگر برای ارتقای رهبری زنان و توانایی ترغیب در کمک به مدیریت و برنامه‌ریزی، همه گروه‌های درگیر در مخاصمات مسلحانه را به احترام گذاشتن به قانون قابل اجرای بین‌المللی در حفظ حقوق زنان و دختران دعوت می‌کنند. و از

همه‌ی گروه‌ها می‌خواهند تا با پایان دادن به معافیت از مجازات و تعقیب افرادی که مسئول همه اشکال خشونت مرتکب شده علیه زنان و دختران شامل تجاوز جنسی و دیگر خشونت‌های جنسی در مخاصمات هستند به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کمک کنند. (پاریاب، ۱۳۸۷: ۱۸۴).

قطعه‌نامه فوق‌همچنین از دبیر کل می‌خواهد تا در اطمینان بخشیدن به همه گزارش‌های کشوری شورای امنیت در فراهم کردن اطلاعات و تأثیر موقعیت‌های درگیری‌های مسلحانه روی زنان و دختران و نیازهای ویژه آن‌ها در موقعیت‌های پس از درگیری و موانع در به دست آوردن نیازهای آن‌ها تلاش کند. همچنین دبیر کل برای ارائه بررسی‌های انجام‌گرفته در سطح جهانی در دنبال کردن اجرای قطعه‌نامه ۱۳۲۵ «۲۰۰۰» در حدود شش ماه به شورای امنیت می‌تواند به‌عنوان یک مبنای مشترک برای گزارش توسط نهادهای مربوط سازمان ملل و سازمان‌های دیگر منطقه‌ای و بین‌المللی و اعضای دولت‌ها در اجرای قطعه‌نامه ۱۳۲۵ «۲۰۰۰» در ۲۰۱۰ و دورتر عمل کند. و با تحلیل نیازهای ویژه زنان و دختران در موقعیت‌های پس از درگیری فرایند تبعیض علیه زنان را به طور فعال پیگیری کند. این قطعه‌نامه از تلاش‌های دبیر کل در تعیین زنان بیشتر در جایگاه‌های ارشد سازمان ملل به ویژه در زمینه‌ی مأموریت‌ها به‌عنوان یک مرحله ملموس به سمت فراهم کردن مدیریت سازمان ملل در اجرای تصمیم قطعه‌نامه ۱۳۲۵ «۲۰۰۰» استقبال می‌کند.

در مجموع قطعه‌نامه ۱۸۸۹ با محکوم کردن همه اشکال خشونت علیه زنان و دختران در موقعیت‌های مخاصمات مسلحانه و پس از انجام درگیری توسط حقوق بین‌الملل سازمان ملل قابل اجراست و با درخواست از همه گروه‌ها برای مخالفت از متوقف کردن چنین عمل‌هایی با تأثیر سریع و تأکید مسئولیت همه دولت‌ها در پایان دادن به معافیت از مجازات و تعقیب افرادی که مسئول همه اشکال خشونت مرتکب شده علیه زنان و دختران شامل تجاوز جنسی و دیگر خشونت‌های جنسی در جنگ مسلحانه هستند. و خواهان گسترش راهبرد شامل: آموزش مناسب و افزایش حضور زنان در مأموریت‌های سیاسی، ایجاد و حفظ صلح می‌باشند.

### ۳. حمایت از کودکان در شورای امنیت

آسیب‌پذیری کودکان بر پایه معیار سن، آنان را بیش از بالغان و بزرگسالان در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار می‌دهد. این مسئله تا آنجا اهمیت دارد که حتی در پس بزهکاری کودکان باید در جست‌وجوی بزه‌دیدگی آنان بود. (کرامتی معز، ۱۳۹۹: ۴۴).

یازده میلیون کودک هر سال پیش از ۵ سالگی می‌میرند، و ده‌ها میلیون کودک دیگر به دلیل محرومیت از امکانات بقا و شکوفایی از لحاظ جسمی یا عقلی معلول می‌شوند. علت مرگ بسیاری از کودکان بیماری‌های قابل پیشگیری یا به سهولت قابل درمان است و دیگران بر اثر عوارض مهلک فقر، جهل، تبعیض و خشونت می‌میرند. صندوق کودکان ملل متحد «یونیسف» برای حفاظت از حقوق کودکان اقدام می‌کند و طرفدار اجرای کامل کنوانسیون حقوق کودک و

کنوانسیون حذف تمامی شکل‌های تبعیض علیه زنان است. هدف یونیسف برخورداری کودکان از بهترین شروع ممکن در زندگی است و با مشارکت دولت‌ها، سایر کارگزاری‌های سازمان ملل و سازمان‌ها غیردولتی برای پیشرفت بهداشت، آموزش و پرورش، تغذیه و حفاظت از همه کودکان فعالیت می‌کند. اولویت‌های کنونی یونیسف رشد و پرورش در اوایل کودکی، آموزش و پرورش دختران، مصون‌سازی، مبارزه با بیماری‌های ایدز، حفاظت از کودکان در برابر خشونت، بدرفتاری، بهره‌کشی و تبعیض است. این هدف‌ها، باهدف‌های توسعه هزاره و هدف‌های اعلام‌شده در دنیایی مناسب کودکان و سند نهایی اجلاس ویژه ۲۰۰۲ مجمع عمومی درباره کودکان هماهنگ است. (حقایق اساسی در مورد سازمان ملل، ۲۰۰۴: ۲۱۴).

شورای امنیت به دلیل تداوم نقض صلح و امنیت بین‌المللی، درصدد ارتقای کیفیت مقابله با درگیری‌های مسلحانه و حفظ حقوق کودکان در آن‌ها برآمده، اما به دلیل ماهیت به‌شدت سیاسی خود، قادر به حمایت بدون تبعیض و قید و شرط از حقوق کودکان در این درگیری‌ها نشده است. اوج این امر در خارج کردن نام ائتلاف نظامی به رهبری عربستان سعودی از فهرست ناقضان فاحش حقوق کودکان در درگیری‌های مسلحانه تجلی پیدا کرد. از سوی دیگر، ظهور و قدرت‌گیری گروه‌های تروریستی و شورشی مانند طالبان، داعش، الشباب، احرار الشام، بوکوحرام، گروه ابوسیاف و مانند این‌ها، کارایی ابزارها و سازوکارهایی را که تاکنون توسط شورای امنیت برای حمایت از کودکان در درگیری‌های مسلحانه به کار گرفته می‌شد را به چالش کشیده‌اند. (آقازاده، ۱۳۹۵: ۱۴۱).

شورای امنیت به‌موجب ماده ۲۴ منشور ملل متحد مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را عهده‌دار است. تا قبل از سال ۲۰۰۰ حمایت از کودکان در قالب دادگاه‌های ویژه یوگسلاوی، رواندا به موضوع نقض حقوق کودک پرداخته می‌شد. اما در سال ۲۰۰۰ به این طرف شورای امنیت به موضوعات به شکل موردی توجه می‌کرد. که از جمله آن‌ها توجه و حمایت از حقوق کودکان در درگیری‌های داخلی و بین‌المللی بوده است.

### ۳-۱. اقدامات شورای امنیت در حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه

مسئله حمایت از کودکان و مخاصمات مسلحانه بعد از جنگ جهانی دوم با تصویب کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ جان گرفت و با تصویب پروتکل‌های اول و دوم الحاقی به این کنوانسیون در سال ۱۹۷۷، کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ و پروتکل الحاقی به آن در سال ۲۰۰۰ گسترش یافت. در این اسناد کودکان به‌عنوان عضوی آسیب‌پذیر از جمعیت غیرنظامی تحت عنوان اشخاص موردحمایت و یا به‌طور مستقل، مستحق بهره‌مندی از حمایت‌های ویژه‌ای می‌باشند. از سوی دیگر با بررسی روند تحول جامعه بین‌المللی از زمان تأسیس ملل متحد تاکنون



نه تنها از تعداد و شدت جنگ‌ها کاسته نشد، بلکه اساساً ماهیتی نوین و در سطحی گسترده عیان گردید. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۳: ۲۱۵).

شورای امنیت در قطعنامه ۱۳۱۴ اظهار داشت، حمله علیه کودکان در مخاصمات مسلحانه نقض فاحش سامانمند و گسترده حقوق بشر می‌باشد و می‌تواند تهدید علیه صلح و امنیت محسوب گردد؛ و ضرورت اتخاذ تصمیمات مناسب را ایجاد نماید. اسناد حقوق بشری و رویه عملی شورای امنیت توجه خاص و ویژه‌ای را به مسئله حمایت از کودکان در درگیری‌های داخلی و بین‌المللی و نیز، به مهم‌ترین جنبه‌های آسیب‌پذیری آن‌ها پس از سال‌های ۲۰۰۰ به صورت خاص معطوف داشته است. و این باور را به تدریج نهادینه نموده‌اند که حمایت از کودک نه تنها دفاع از او در مقابل تجاوز، بلکه تضمین تمامی حقوق و نیازهای وی می‌باشد. شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه‌های ۱۲۶۱ مورخ ۲۵ اوت ۱۹۹۹ و قطعنامه ۱۳۱۴ مورخ ۱۱ اوت ۲۰۰۰ و قطعنامه ۱۳۷۹ مورخ ۲۰۰۱ بر حمایت از حقوق کودکان درگیر در مخاصمات مسلحانه تأکید نمود و همین شورا قطعنامه ۱۴۶۰ مورخ ۳۰ ژانویه ۲۰۰۳ راجع به رعایت این اسناد و همچنین رعایت حقوق کودکان در عملیات حفظ صلح و تحکیم صلح سازمان ملل اشاره دارد. سازمان ملل نیز در این چارچوب سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ را در دهه بین‌المللی صلح و عدم خشونت نامید و ترویج فرهنگ صلح را امری ضروری دانسته است. (جنگ‌ها علیه کودکان، ۲۰۰۸: ۲۳).

لازم به ذکر است که با تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در ۱۹۹۸ اقدام دیگری در زمینه‌ی حمایت از کودکان برداشته شد. در این اساسنامه تأکید گردیده که استفاده از کودکان در جنگ و نقض حقوق آنان می‌تواند به‌عنوان یکی از جرائم بر ضد بشریت تلقی گردد و موجبات محاکمه و مجازات مرتکبان را فراهم آورد.

### ۳-۲. اصول تصمیمات شورای امنیت در قطعنامه‌های صادره در سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۹۹

دامنه شمول قطعنامه‌های شورای امنیت «تأکید و مفاد آن» هم متوجه مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و هم غیر بین‌المللی می‌باشد. به چند دلیل: اولاً، شورای امنیت در قطعنامه‌های شماره « ۱۲۶۱ ، ۱۳۱۴ ، ۱۵۳۹ ، ۱۴۶۰ ، ۱۳۷۹ » صراحتاً بر مخاصمات بین‌المللی و غیر بین‌المللی و اجرای مفاد پروتکل دوم تأکید نموده است. ثانیاً، در هر ۵ قطعنامه عبارت armed conflict را بدون قید بین‌المللی و بلکه به‌طور اعم استعمال نموده است و نیز بجای کلمه armed conflict از عبارت parties of armed استفاده نموده است. ثالثاً، دبیرکل در گزارش‌هایی که تقدیم شورا می‌دارد به وضعیت کودکان متأثر از جنگ‌های داخلی و بین‌المللی هر دو اشاره دارد و شورا نیز در قطعنامه‌هایی که متعاقب این گزارش‌ها صادر می‌نماید بر دبیرکل تأکید جدی دارد. اجرای مفاد قطعنامه در مناطق مخاصمه، گزارش پیگیری نماید.

نظارت بر سربازان عملیات حفظ صلح، به منظور بازداشتن آن‌ها از سوءاستفاده علیه کودکان در مناطق مستقرشان قطعنامه‌های فوق‌الذکر برای این منظور تأکید دارد بر آموزش مفاد حقوق بشردوستانه کودکان به سربازان مذکور و نیز آموزش پیشگیری و دریافت اصول راهنمایی در خصوص مقابله با ویروس ایدز، نیروهای حافظ صلح، در واقع نیروهایی می‌باشند که به موجب موافقت‌نامه بین شورای امنیت و دولت داوطلب از سوی دولت در اختیار شورای امنیت قرار گرفته و یا اصولاً موافقت دولت متخاصم در کشور آن‌ها مستقر شده و عمده وظیفه‌شان حالت بازدارندگی و ممانعت از برخورد احتمالی در حین آتش‌بس می‌باشد. لیکن در گزارش‌های دبیرکل به شورای امنیت روشن شد خود این نیروها بعداً به سوءاستفاده از کودکان می‌پردازند، و لذا شورا در قطعنامه‌های خود نظارت بر عملیات و کارکرد این نیروها را الزامی داشت. و لذا به موجب قطعنامه‌های مذکور از دبیرکل تقاضا نمود مشاورانی تحت عنوان مشاوران حمایت کودک در عملیات حفظ صلح تعیین نمایند. این نیروها که دبیرکل مشاوران حمایت کودکان را در جنگ‌های داخلی سیرالئون و ساحل عاج بود امروزه نیز فعال هستند. در کنگو نیز این مشاوران دفتر دارند.

تأکید بر مؤسسات و سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای، من جمله اتحادیه اروپا در ابداع روش‌هایی خاص در راستای جلوگیری از سربازگیری قطعنامه‌های فوق‌الذکر و نیز ایجاد سازوکارهای حمایتی از کودکان در مخاصمات مسلحانه و نیز از سازمان‌های مذکور می‌خواهد به توانمندتر کردن اقتصادی دولت متخاصم کمک کنند تا اینکه بتوانند آن‌ها را در حمایت از کودکان قوی نمایند. فقر اقتصادی، فقدان خدمات آموزشی در طول مخاصمات از علل عمده ریشه‌ای روی آوردن کودکان به نیروهای مسلح می‌باشد و یا بازپروری و بازیافت کودکان متأثر از جنگ، کودکان قربانی مین‌های منفجر شده نیازمند منابع مالی و انسانی عظیمی می‌باشد و این روش از توان دولت در حال توسعه مشغول مخاصمه خارج می‌باشد. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۹: ۱۲۰).

تأکید بر دسترسی کامل و بدون مانع پرسنل بشردوستانه برای ارسال کمک به کودکان در مناطق درگیری. (۱۹۹۷-۱۲۶۱)، (۲۰۰۰-۱۳۱۴)، (۲۰۰۱-۱۳۷۹)، (۲۰۰۴-۱۳۵۹).

از طرفین متخاصم درخواست می‌نماید روزهایی آرام را تعیین نمایند تا در آن روزها کمک اساسی برای کودکان بدون وجود هیچ مانعی ارسال گردد. (۱۹۹۱-۱۲۶۱).

تأکید بر ایجاد بخش‌هایی خاص در راستای حمایت از کودکان و توسعه و اجرای سیاست‌های خاص در این راستا؛ (۲۰۰۱-۱۳۷۹)، (۲۰۰۳، ۱۴۶۰).

دولت را به توانمند کردن مؤسسات محلی تشویق می‌کنند تا در راستای حمایت از کودکان بپردازند. (۲۰۰۳-۱۳۱۴).

بر دول عضو سازمان ملل تأکید می‌کند به اینکه ارتباطات تجاری خود را با طرفین متخاصمی که دستورالعمل شورا و تعهداتش را در خصوص حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه نقض کرده‌اند؛ قطع نمایند و نیز تأکید می‌ورزند که اقدامات قانونی، سیاسی و دیپلماتیک مالی و مادی مطابق با منشور و به‌منظور احترام کامل به قواعد بین‌المللی حمایت از کودک اتخاذ گردد. (۲۰۰۱-۱۳۷۹)

در هر قطعنامه فوق‌الذکر تأکید دارد بر جلوگیری از انتقال غیرقانونی سلاح‌های کوچک و بهره‌برداری غیرقانونی از منابع طبیعی و ارتباط آن با طولانی شدن مخاصمه و درعین حال شدت اثرات بر آن کودکان و طرفین متخاصم و توجه اکیداً به این مورد در راستای حمایت از کودک می‌دهد.

محکومیت سربازگیری کودکان زیر ۱۵ سال و معافیت آن‌ها و جلوگیری از جلب مجدد آن‌ها از طریق ارائه اقدامات آموزشی (۱۹۹۹-۱۲۶۱)، (۲۰۰۳-۱۴۶۰)، (۲۰۰۱-۱۳۷۹). تأکید بر آموزش منع اجباری، سوءاستفاده جنسی و ادغام خانواده‌های متلاشی‌شده. (۲۰۰۱-۱۳۷۹)، (۲۰۰۰-۱۳۱۴).

منع تولید انتقال ذخیره‌سازی و استفاده از مین‌های ضدنفر (۲۰۰۱-۱۳۷۹) و تأکید بر اقدامات بازپروری برای کودکان قربانی مین‌های ضدنفر و من جمله اندام مصنوعی برای کسانی که اندام خود را از دست داده‌اند. (۱۹۹۹-۱۲۶۱).

در قطعنامه ۲۰۰۴-۱۳۵۹ تأکید دارد بر ارتقاء سن، عضویت اجباری و مشارکت فعال تا سن ۱۸ و نیز حداقل سن اختیاری به ۱۸ تا ۱۵ سال.

تأکید بر دول متخاصم مبنی بر این‌که اقدامات قانونی و اجرایی در راستای پایان‌دهی به مصونیت مرتکبین نقض‌های فاحش بشردوستانه علیه کودکان اتخاذ نمایند. (۱۹۹۱-۱۲۶۱) (۲۰۰۰-۱۳۷۹)، (۲۰۰۴-۱۳۵۹).

در قطعنامه‌های فوق‌الذکر که بندهای پایانی را اختصاص به ارائه گزارش دیگر از جانب دبیرکل و در راستای تحقق این قطعنامه‌ها داده است؛ و در قطعنامه ۱۴۶۰ سال ۲۰۰۳ از دولی که نام آن‌ها در لیست دبیرکل به‌عنوان ناقض حقوق کودک در مخاصمات ذکر شده است؛ می‌خواهد اقدامات در رفع این معضل را انجام دهند؛ و دبیرکل در قطعنامه ۱۵۳۹ سال ۲۰۰۴ از دول ناقض مندرج در لیست می‌خواهد برنامه عملی ملموس در مورد توقیف عضوگیری کودکان برخلاف تعهدات بین‌المللی‌شان تهیه نمایند. در غیر این صورت آن‌ها را تهدید به تحریم انتقال سلاح‌های کوچک و دیگر تجهیزات نظامی می‌نمایند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

لازم به ذکر است که پس از سال ۲۰۰۵ میلادی نیز در قطعنامه‌های متعددی شورای امنیت نگرانی خود را نسبت به آثار ناشی از مخاصمات مختلف بر کودکان اعلام داشته است.

### ۳-۳. قطعنامه جدید شورای امنیت راجع به کودکان در مخاصمات مسلحانه ۲۰۰۹

شورای امنیت ملل متحد در شش هزار و صد و هفتاد و ششمین نشست مورخ چهارم اوت سال ۲۰۰۹ «مقارن با سیزدهم مردادماه سال ۱۳۸۸» خود، قطعنامه شماره ۱۸۸۲ خود را به کودکان در مخاصمات مسلحانه اختصاص داد. مهم‌ترین محورهای موضوعی قطعنامه بیست بندی موصوف به شرح زیر می‌باشد:

(۱) سربازگیری کودک، استفاده از کودکان در مخاصمات مسلحانه، قتل کودکان، تجاوز به عنف علیه کودکان.

(۲) تشویق دولت‌های عضو به اتخاذ راهبردهایی جهت سهولت بخشی به تدوین و اجرای برنامه‌های عمل، دارای مدت معین، باهدف حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه.

(۳) اعلام خشونتی از تدابیری که بخش عملیات حفظ صلح ملل متحد در حکایت از کودکان اتخاذ نموده است.

(۴) تأکید بر نقش حیاتی طرح‌های «خلع سلاح و ادغام کودکان» یونیسف و دیگر بازیگران فعال در حوزه حمایت از کودکان در تأمین بهزیستی تمامی کودکانی که برخلاف حقوق بین‌الملل قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه، توسط گروه‌ها و نیروهای مسلح سربازگیری شده و در مخاصمات مورد استفاده قرار گرفته‌اند، نیز نقش حیاتی این طرح‌ها در تحقق صلح و امنیت پایدار.

(۵) تأکید بر اهمیت تأمین اعتبار کافی و پایدار طرح‌های رفاهی مؤثر برای حمایت از کودکان قربانی مخاصمات مسلحانه.

(۶) درخواست از دولت‌های عضو و کارگزاری‌های ملل متحد من جمله کمیسیون حفظ صلح به اینکه حمایت، حقوق، بهزیستی و توانمندسازی کودکان قربانی مخاصمات مسلحانه را در تمامی فرایندهای صلح‌سازی، طرح‌های سازش و راهبردها مورد عنایت قرار دهند.

درخواست از دبیر کل ملل متحد برای تهیه گزارشی تا تاریخ می سال ۲۰۱۰ این گزارش می‌بایست میزان اجرای قطعنامه را در خویش بگنجانند.

### ۳-۴. قطعنامه‌های مشترک شورای امنیت و مجمع عمومی

کودکان و درگیری‌های مسلحانه مصوب ۲۰۱۰، تأکید دارد به قطعنامه و قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت در خصوص کودکان و درگیری‌های مسلحانه. آنچه در این قطعنامه حائز اهمیت است توجه دو رکن اصلی سازمان ملل متحد به موضوع کودکان و نقض حقوق آن‌ها می‌باشد. در بخش‌هایی در این قطعنامه آمده است که گزارش دبیر کل در مورد سنجش‌های انجام شده توسط گروه‌های در فهرست قطعنامه‌ها در پایان دادن به همه خشونت‌ها و بدرفتاری‌ها علیه کودکان در درگیری‌های مسلحانه می‌باشد که به‌عنوان نشانگر پیشرفت در پشتیبانی از توصیه‌های گروه کاری شورای امنیت روی کودکان و درگیری‌های مسلحانه عمل می‌کند. بخش سوم گزارش روی اطلاعات



خشونت‌های سخت مرتکب شده علیه کودکان به‌ویژه استخدام و استفاده از کودکان کشتن و ضرب و جرح کودکان، تجاوز جنسی و دیگر خشونت‌های جنسی علیه کودکان، ربودن کودکان، حملات به مدارس و بیمارستان‌ها و انکار رفتار بشردوستانه با کودکان توسط گروه‌هایی که در رابطه با درگیری‌های مسلحانه در نقض قانون بین‌المللی قابل اجرا مشغول می‌باشند. (آفورد، ۲۰۰۴: ۲۸۱).

این قطعنامه تأکید دارد تا دولت‌ها در حمایت و پشتیبانی از حقوق همه کودکان، به اجرایی شدن مفاد پذیرفته‌شده در قطعنامه‌های شورای امنیت و معیارهای حقوقی تعیین‌شده در کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل‌های اختیاری آن تلاش کنند.

### بحث و نتیجه‌گیری

امروزه شورای امنیت در مناقشات داخلی کشورها که در سطح وسیعی باعث تضییع حقوق بشر از جمله کودکان و زنان می‌شود و مداخله می‌کند. نقض حقوق بشر در کشورها نمادی از تهدید و نقض صلح و امنیت بین‌المللی است. شورای امنیت مطابق فصل هفتم، دادگاه‌های بین‌المللی تشکیل داد تا افراد متهم به نقض شدید حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌المللی از جمله قتل عام را تحت پیگرد قانونی قرار داد. شورای امنیت از سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۲ به بعد توجه ویژه‌ای به حقوق زنان و کودکان در مخاصمات مسلحانه داشت. قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت بر نقش زنان در ایجاد صلح و حفظ امنیت تأکید و اصرار داشت. رئیس شورای امنیت در سال‌های ۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ در مورد زنان و صلح و امنیت، بیانیه‌های مهمی منتشر کرد و در آن خواهان استقرار یک چارچوب یکپارچه برای مشارکت در برابر زنان در ایجاد صلح و ارتقاء آن شد و خواستار اقدامات مثبت سازمان ملل متحد، دول عضو و بازیگران جامعه مدنی در جهت عملیات حفظ صلح، استقرار صلح، صلح‌سازی و عملیات بشردوستانه در طول درگیری‌ها و ... شد. از دیگر مهم‌ترین قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص زنان قطعنامه (۲۰۰۸/۱۸۲۰)، (۲۰۰۹/۱۸۸۸)، (۲۰۰۹/۱۸۸۹) می‌باشد. مسئله حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه نیز موضوعی بود که بعد از جنگ جهانی دوم با تصویب کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ جان گرفت. اسناد حقوق بشری و رویه عملی شورای امنیت توجه خاص و ویژه‌ای را به مسئله حمایت از کودکان در درگیری‌های داخلی و بین‌المللی و نیز مهم‌ترین جنبه‌های آسیب‌پذیری آن‌ها پس از سال‌های ۲۰۰۰ به‌صورت خاص معطوف داشت؛ و این بار به تدریج نهادینه نموده‌اند که حمایت از کودک نه تنها دفاع از او در مقابل تجاوز متجاوز است بلکه تضمین تمامی حقوق و نیازهای وی می‌باشد. شورای امنیت قطعنامه‌های (۱۹۹۹، ۱۲۶۱)، (۲۰۰۰، ۱۳۱۴)، (۲۰۰۰، ۱۳۷۹)، (۲۰۰۰، ۱۴۶۰)، (۲۰۰۳) راجع به حقوق



کودکان درگیر مخاصمات مسلحانه تأکید نمود و همچنین قطعنامه (۱۵۳۹، ۲۰۰۴)، (۲۰۰۵، ۱۶۱۲) راجع به رعایت حقوق کودکان در عملیات حفظ صلح و تحکیم سازمان ملل اشاره کرد. شورا همچنین قطعنامه ۱۸۸۸ مصوب ۲۰۰۹ را نیز به حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه اختصاص داد. در نهایت می‌توان گفت که خشونت جنسی علیه زنان و آسیب‌پذیری کودکان در مخاصمات مسلحانه امروزه به چالش عمده تبدیل شده است و شورای امنیت نیز با واقف بودن به این امر تلاش خود را دارد تا به صورت ویژه موضوع زنان و کودکان را در دستور کار قرار دهد. شورا خواهان تلاش‌های بیشتر جهت خاتمه دادن به استفاده از کودکان به عنوان سرباز در مخاصمات مسلحانه و همچنین پایان دادن به خشونت علیه زنان در درگیری‌های داخلی شده است. چنانچه شورای امنیت اخیراً در قطعنامه مشترک با مجمع عمومی ۲۰۱۰ با عنوان کودکان و تعارضات مسلحانه با تأکید بر قطعنامه‌های قبلی خواهان پایان دادن به همه خشونت‌ها و بدرفتاری‌ها علیه کودکان در درگیری‌های مسلحانه می‌باشد.

بیشتر نقض‌های فاحش حقوق بشری که صورت می‌گیرد، بدون جبران خسارت باقی می‌ماند، چه کسی می‌تواند ادعا بکند که به طور مفید و مؤثر برای قربانیان و بازماندگان جرائم علیه کودکان و زنان، جبران خسارت صورت گرفته است؟ قطع یقین حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل در این زمینه دارای نقص و خلاء در ضمانت اجرا می‌باشد. چرا که در چنین شرایطی که متهم دولت و نهادهای قدرت می‌باشند و فرد یا گروه قربانی در جایگاه برابر برای طرح شکایت و ادعای جبران خسارت قرار بگیرند، فاقد چنین جایگاهی هستند. سازوکارهای عدالت انتقالی اگرچه مفید می‌باشند و به میزان قابل توجهی از آثار فجایع را کاسته‌اند اما نمی‌توان گفت که به طور قطع می‌توانند اثربخش بوده و جبران خسارت و یا اعاده به وضع سابق را تحقق بخشند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود دادگاه‌های حقوق بشر فراگیر شوند تا چنین خلأ و نقصی را برطرف شود.

## منابع

- آقازاده، جواد. (۱۳۹۵). شورای امنیت سازمان ملل متحد و حمایت از کودکان در درگیری‌های مسلحانه، فصلنامه سیاست خارجی، ۳۰ (۲)، ۱۶۵-۱۴۱.

[http://fp.inisjournals.ir/article\\_24648.html](http://fp.inisjournals.ir/article_24648.html)

- پاریاب، سامره. (۱۳۸۷). شورای امنیت و جرائم جنسی علیه زنان در مخاصمات مسلحانه پس از پایان جنگ سرد. انتشارات وزارت امور خارجه.

- ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۹۳). حقوق بین‌الملل عمومی. چاپ چهل و هفتم. انتشارات گنج دانش.

- حقایق اساسی درباره ملل متحد. (۲۰۰۴). نیویورک: اداره اطلاعات همگانی سازمان ملل متحد.

- حقیقی کفاش، منصور و سجادپور، سید محمد کاظم. (۱۳۹۹). اقدامات شورای امنیت در حمایت از زنان در مخاصمات مسلحانه (۱۹۹۹-۲۰۱۷). فصلنامه سیاست، ۵۰ (۴)، ۱۱۱۰-۱۰۹۳.

[https://jppq.ut.ac.ir/article\\_79748.html](https://jppq.ut.ac.ir/article_79748.html)

- جنگ‌ها علیه کودکان. (۲۰۰۸). تهران: انتشارات یونیسف.

- کرامتی معز، هادی. (۱۳۹۹). بزه دیده شناسی کودکان در شبکه‌های مجازی. چاپ اول. انتشارات دادگستر.

- Swarochi. D. (2000). The situation of women and girls in armed conflicts. Oxford University press.

- Kolb. R. (2003). Protection of children from the perspective of the Statute of the International Criminal Court.

- Kelson. H. (2000). Resolution 1820 on women and peace and security. a Critical Analysis of its.

- Deter. F. (2004). The Handbook of Humanitarian Law in Armed Conflict. Oxford University Press. New York. Offord.

- Zakian. R. (2003). Beyond Kosovo: The United Nations and Humanitarian Intervention. in L.C Vohra. et.al (eds). Man's Inhumanity to Man. Kluwer Law International. Printed in The Netherlands.